

اثر امنیت اقتصادی و تجارت خارجی بر رشد اقتصادی (مطالعه موردی: کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی)

داود جعفری سررشت^۱

علی سلمان پور^۲

سیامک شکوهی فرد^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۲۰

چکیده

در این مطالعه به بررسی تأثیر متغیرهای مربوط به شاخص‌های امنیت اقتصادی و تجارت بر رشد اقتصادی پرداخته شد که جهت نیل به این منظور، از تکنیک اقتصادسنجی پانل دیتا به شیوه هم‌انباشتگی با رهیافت حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده شد و ۹ کشور منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی در طی دوره زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶ مورد بررسی قرار گرفتند. شاخص‌های امنیت اقتصادی بکار رفته شامل حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد می‌باشد و شاخص تجارت خارجی شامل مجموع صادرات و واردات این کشورهاست. نتایج حاصل از برآورد صورت گرفته نشان می‌دهد که حساسیت رشد اقتصادی نسبت به شاخص حق اعتراض و پاسخگویی ۰/۱۴ و برای بقیه شاخص‌های فوق به ترتیب برابر با ۰/۶۵، ۰/۴۳، ۰/۵۴، ۰/۰۳ و ۰/۱۲ بوده و نیز حساسیت رشد اقتصادی نسبت به شاخص تجارت خارجی برابر با ۰/۲۹ می‌باشد. لذا این نتایج نشانگر آن است که شاخص‌های امنیت اقتصادی و تجارت خارجی دارای تأثیرات مثبت بر رشد اقتصادی در طی دوره زمانی مورد بررسی می‌باشند.

کلمات کلیدی: رشد اقتصادی، کشورهای منتخب OIC، رویکرد داده‌های تابلویی.

طبقه‌بندی JEL: F43, C23, O50

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. استادیار و عضو هیأت علمی گروه اقتصاد، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول) djafariseresht@yahoo.com
۲. استادیار و عضو هیأت علمی، گروه اقتصاد، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران Ali_salmanpour@yahoo.com
۳. دانشجوی دکتری، گروه اقتصاد، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران siyamakshokohifard@gmail.com

مقدمه

با توجه به اهمیت مقوله رشد اقتصادی در کشورهای مختلف، مطالعه عوامل موثر بر آن همیشه مورد تأکید بوده است. در خصوص عوامل مهم تأثیرگذار بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه دیدگاه‌های متعدد و بعضاً متفاوتی ابراز شده است و مخصوصاً این عدم قطعیت در ارتباط با تأثیر شاخص‌های امنیت اقتصادی بیشتر می‌باشد. هدف اساسی مقاله حاضر بررسی تأثیر شاخصه‌های امنیت اقتصادی و تجارت بر رشد اقتصادی است. هدف اساسی نظریه‌های رشد، توضیح عوامل تعیین‌کننده نرخ‌های رشد در یک کشور و بررسی دلایل تفاوت نرخ‌های رشد و درآمدهای سرانه بین کشورها می‌باشد. یکی از عواملی که همواره تأثیر به‌سزایی بر رشد اقتصادی برخی کشورهای در حال توسعه داشته، امنیت اقتصادی و تجارت خارجی است. به طور کلی، در مسیر رشد اقتصادی کشورهای جهان سوم، از یک طرف به دلیل اثرگذاری شاخصه‌هایی چون حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت بر رشد اقتصادی و از طرف دیگر به دلیل وابستگی شدید این کشورها به درآمدهای صادراتی و نیز وابستگی به واردات مواد مورد نیاز جهت پی‌ریزی ساختار صنعتی، امنیت و تجارت خارجی نقشی اساسی و انکارناپذیر و در عین حال حساس را ایفا می‌کنند. عدم توجه به این دو عامل مهم در تحقیقات و بررسی‌های رشد اقتصادی در این کشورها، نتایج تحقیقات و پیش‌بینی‌های مربوط به آینده را دچار خطا می‌کند. چنان‌چه تحقیق به صورت کمی و با ابزارهای اقتصادسنجی صورت گیرد، حذف یکپاره این دو عامل مهم و مؤثر در رشد اقتصادی، ضرایب برآورد شده در مدل را به صورت اریب (تورش‌دار) برآورد نموده و در نتیجه مدل دارای خطای تصریح می‌شود. در بیشتر تحقیقات انجام گرفته در زمینه رشد اقتصادی، مطالعه مشخصی در زمینه بررسی تأثیر امنیت اقتصادی با تکیه بر نقش تجارت بر رشد اقتصادی و با استفاده از شیوه هم‌انباشتگی پانلی به ویژه برای کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی صورت نگرفته است. لذا در این تحقیق به بررسی تأثیر امنیت اقتصادی بر رشد اقتصادی با تکیه بر نقش تجارت در ۹ کشور منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی در طی دوره زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶ پرداخته شده و با استفاده از روش اقتصادسنجی پانل دیتا به شیوه هم‌انباشتگی پانلی با رهیافت حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) اثرات متغیرها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. پژوهش حاضر در پنج بخش تنظیم شده است. در بخش دوم مبانی نظری و پیشینه پژوهش مطرح می‌شود. آرایه مدل و معرفی متغیرها در بخش سوم و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش نیز در بخش چهارم آرایه می‌گردند. در نهایت در بخش پنجم به بحث و نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

۱- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱-۱- مبانی نظری

ادبیات نظری موجود و تحقیقات تجربی صورت گرفته در برخی از کشورها گویای این مطلب هستند که امنیت اقتصادی و تجارت خارجی بر رشد اقتصادی تأثیر بسزایی دارند. در ادامه کانال‌های اثرگذاری شاخص‌های امنیت اقتصادی و تجارت بر رشد اقتصادی و مبانی نظری موجود به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱-۱- کانال‌های اثرگذاری شاخص‌های امنیت اقتصادی بر رشد اقتصادی

حق اعتراض و پاسخگویی^۱

این شاخص بیانگر مفهوم‌هایی مانند: حقوق سیاسی، آزادی بیان و تجمعات سیاسی و اجتماعی، آزادی مطبوعات، میزان نمایندگی حاکمان از طبقه‌های اجتماعی، فرایندهای سیاسی در برگزاری انتخابات و... است که با عنوان شاخص دموکراسی از آن یاد می‌کنیم. درباره رابطه بین دموکراسی و عملکرد اقتصادی مطالعه‌های فراوانی انجام شده که برخی قائل به اثر مثبت و برخی دیگر به اثر منفی دموکراسی بر رشد هستند. بارو^۲ این رابطه را به شکل Δ معکوس برآورد کرده و بیان می‌کند در صورت وجود شکل کاملی از دیکتاتوری در کشور، بهبود در حقوق سیاسی به برقراری محدودیت‌هایی بر قدرت مطلقه دیکتاتور می‌انجامد که این خود باعث افزایش رشد می‌شود اما در کشورهایی که از سطوح متوسط حقوق سیاسی دارند، افزایش حقوق سیاسی به علت تشدید توجه مردم و مسئولان به برنامه‌های تأمین اجتماعی و اشکال گوناگون توزیع مجدد درآمد باعث تضعیف رشد اقتصادی خواهد شد (بارو، ۱۹۹۶). در حکومت‌های مقتدر لیبرال، کشورهایی که پیش از آن نظام صیانت از حقوق مالکیت و حقوق مدنی (حقوق غیرسیاسی مانند: وضعیت زندگی، قراردادهای مالکیت و... را شامل می‌شود) پدید آمده، ساز و کارها و سنت‌هایی را برای قانون و مقررات تثبیت کرده باشد، فرایند دموکراتیزه شدن با هزینه کم و منافع بیشتری همراه خواهد بود اما زمانی که دموکراتیزه شدن در حکومت مقتدر غیرلیبرال اتفاق می‌افتد، در کشورهایی که نظم پدید می‌آید نه بر پایه قانون، نتیجه ایجاد دموکراسی‌های غیر لیبرال است، آنچه که در تأمین ظرفیت نهادی اشتباه است که به‌طور قابل پیش‌بینی اثر مخرب روی رشد اقتصادی دارد (مبارک، ۱۳۸۹: ۸۹-۸۸).

کنترل فساد^۳

تعریف سازمان شفافیت بین‌الملل از فساد عبارت است از:

۱. Voice & Accountability

۲. Barro

۳. Control of Corruption

«سوء استفاده از قدرت عمومی به نفع منافع خصوصی؛ برای مثال، پرداخت رشوه به مقامات دولتی، باج‌گیری در تدارکات عمومی یا اختلاس اموال عمومی» (کافمن و همکاران^۱، ۲۰۰۶). این شاخص مفهومی‌هایی مانند فساد در میان مقامات رسمی، اثربخشی تدبیرهای ضد فساد، تأثیر آن بر جذب سرمایه‌های خارجی، پرداخت اضافی یا رشوه برای گرفتن مجوزهای اقتصادی و... را اندازه‌گیری می‌کند. ادبیات موجود در این زمینه وسیع بوده به طوری که حتی برخی بر این باور هستند که فساد از دو راه باعث تسریع رشد می‌شود:

فعالیت‌های فاسدی چون رشوه، اجتناب از تأخیرات اداری را برای افراد ممکن می‌سازد. پرداخت رشوه به صورت نرخ کارمزدی^۲ انگیزه کارگزاران دولتی را برای کار بیشتر می‌کند اما اغلب محققان مانند مورو^۳ و بندسن، رویکرد بالا به فساد را نادرست دانسته و بیان می‌کنند فساد به روش‌های گوناگون باعث تضعیف رشد می‌شود. به اختصار به نمونه‌ای از این موارد در ذیل اشاره می‌کنیم:

الف. دزدیده شدن سرمایه‌های عمومی به وسیله افراد فاسد؛

ب. انحراف سرمایه‌گذاری‌های عمومی به سمت پروژه‌هایی که امکان فساد در آن‌ها بیشتر است (بدون توجه به میزان ضرورت پروژه)؛ فساد به صورت مالیات روی سرمایه‌گذاری خصوصی (برای مثال، مبلغ پرداختی به عنوان رشوه و...) باعث کاهش سود و سرمایه‌گذاری می‌شود؛

ج. فساد باعث انحراف منابع به‌ویژه سرمایه انسانی از فعالیت‌های نوآورانه به فعالیت‌های غیرمولد و مضر مانند: دزدی، رانت‌جویی و... می‌شود (بندسن و همکاران^۴، ۲۰۰۷).

ثبات سیاسی بدون خشونت^۵

بیانگر مفهومی‌هایی مانند ناآرامی‌های اجتماعی، ترور و اعدام‌های سیاسی، کودتا، آشوب‌های شهری، تنش‌های قومی و انتقال آرام قدرت در سطوح بالا است. اغلب مطالعه‌های اخیر بیان می‌کنند بی‌ثباتی سیاسی از راه از بین بردن امکان سرمایه‌گذاری باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود (عبدلی^۶، ۲۰۱۳: ۲۶۱).

بی‌ثباتی سیاسی از کانال سرمایه و نیروی کار می‌تواند بر رشد اقتصادی اثرگذار باشد و مطابق پیش‌بینی این اثر منفی است؛ برای مثال، نااطمینانی سیاسی با بی‌ثباتی سیاسی همراه بوده و احتمالاً نرخ ترجیحات زمانی را به‌ویژه برای سرمایه‌گذاران ریسک‌گریز افزایش می‌دهد. در واکنش به این موضوع، نرخ جانشینی سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و احتمالاً با بهره‌وری بالا، به وسیله

1. Kauffman et al
2. Piece Rate
3. Mauro
4. Bennesen et al
5. Political Stability (No Violence)
6. Abdli

طرح‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و با بهره‌وری پایین افزایش می‌یابد. افزون بر این، ناکارآمدی تولیدی پدید آمده به واسطه بی‌ثباتی سیاسی، مانند تجزیه جدول زمانی سرمایه‌گذاری، تولیدهای نهایی متناظر داده‌های تولیدی را کاهش خواهد داد. به این ترتیب نتیجه‌گیری می‌شود که تمام شاخص‌های بی‌ثباتی سیاسی (از جمله کودتاهای موفق و ناموفق و...) از راه اثر منفی خود روی تولید نهایی سرمایه، رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (غفاری، ۱۳۸۶).

حاکمیت قانون^۱

اعتماد مردم به قوانین، قابلیت پیش‌بینی دستگاه قضایی، وجود جرم‌های سازمان یافته، احتمال کامیابی در شکایت علیه دولت از جمله مؤلفه‌های سنجش شاخص حاکمیت قانون هستند. بارو^۲ در باره اثرهای اقتصادی نهادهایی مانند حقوق مالکیت و نظام قضایی می‌گوید: «از آن جایی که مردم به دنبال نفع شخصی هستند، فقط در صورتی اقدام به بر عهده گرفتن کار سخت و سرمایه‌گذاری می‌کنند که احتمال منطقی از منتفع شدن از تلاش‌هایشان موجود باشد. بنابراین، اگر حقوق مالکیت به دلایلی مانند جرم و جنایت بیشتر، نرخ‌های بالای مالیات یا احتمال بالای مصادره اموال به‌وسیله دولت، به‌خوبی تأمین نشده باشد؛ مردم به کاهش تلاش و سرمایه‌گذاری روی می‌آورند» (بارو، ۱۹۹۹: ۱۵۸).

کیفیت مقررات‌گذاری^۳

این شاخص بیانگر مفهومی مانند: مقررات دست و پاگیر، مداخله دولت در اقتصاد، سیاست‌های رقابتی، موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای و دسترسی به بازارهای سرمایه است. مقررات کارا هدف‌های رفاه اجتماعی وضع شده به‌وسیله دولت را با هزینه کمتر محقق می‌سازد. هزینه‌های اقتصادی بروکراسی اداری به دو شکل کلی نمایان می‌شود:

الف. هزینه‌های مستقیم مدیریت نظام قانون‌گذاری، که در داخل دولت و از راه تخصیص‌های بودجه‌ای در قالب‌های مقرراتی درونی شده؛

ب. هزینه‌های پذیرش مقررات، که برای قانون‌گذار برون‌زا است و بر دوش تولیدکننده و مصرف‌کننده می‌افتد به‌صورت انطباق با قوانین یا طفره‌رفتن از پذیرش آن‌ها (خانه آزادی، ۲۰۱۴).

1. Rule of Law
2. Barro
3. Regulatory Quality
4. Freedom House

اثر بخشی دولت^۱

کارایی یا اثربخشی دولت با سیاست‌گذاری و اجرا به‌وسیله دولت برای حمایت از نظام بازار مورد توجه واقع گردیده؛ به‌علاوه، به‌توانایی دولت در قانون‌گذاری، دآوری دادگاه‌ها، تصمیم‌های مدیریتی درباره حاکمیت قانون، عدالت مدیریتی و قضایی مانند پاسخ‌گویی و شفافیت اشاره می‌کند. افزون بر آن، کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی و صلاحیت و شایستگی کارگزاران را بیان می‌کند (عاصم اوقلو و همکاران^۲، ۲۰۰۴).

۱-۲- کانالهای اثرگذاری تجارت بر رشد اقتصادی

بیشتر اقتصاددانان معتقدند که تجارت، موتور رشد در جهان امروزی است. آنان ادعا می‌کنند که تجارت بین‌الملل امکان بهره‌گیری از توانمندی‌های اقتصادی بالقوه را، با توجه به مزیت‌های نسبی موجود و قابل خلق، به وجود می‌آورد و علایم روشنی را برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های اقتصادی قابل رقابت در عرصه جهانی پدیدار می‌کند. همچنین تجارت بین‌الملل، نرخ رشد اقتصادی را از طریق دسترسی به بازارهای خارجی، تکنولوژی و منابع تحت تأثیر قرار می‌دهد. در مطالعات تجربی (فدر ۱۹۸۲ و ادوارد ۱۹۹۸) استدلال شده است که انتقال بین‌المللی فناوری به جریان بازرگانی ارتباط دارد. هرچه بخش‌های بیشتری از اقتصاد در معرض رقابت بین‌المللی قرار گیرند، میزان برخورداری از فناوری برتر و فشار برای اتخاذ و تطبیق فناوری به منظور حفظ قدرت رقابتی، بیشتر می‌شود. تجارت خارجی سبب تغییر دادن تخصیص منابع از بخش‌ها و صنایع با بهره‌وری پایین به صنایع با بهره‌وری بالا شده و منابع را به سوی فعالیت‌هایی که بیشترین کارایی را دارند هدایت می‌کند. با گسترش تجارت خارجی، تشکیلات تجاری و نیز اقتصاد، به کشف‌های جدید در مدیریت اقتصادی، بهبود تکنولوژی و شیوه‌های بهتر تولید، تشویق می‌شوند؛ لذا فرصت‌هایی که در گذشته مورد چشم‌پوشی قرار می‌گرفتند به منابع اصلی برای رشد اقتصادی تبدیل می‌شوند. به‌علاوه، گسترش تجارت خارجی، به صنعتگران داخلی منابع نهاده متعددی با هزینه کمتر ارایه می‌دهند که آنان را قادر به تولید محصولات نهایی می‌کند که نه تنها در بازارهای داخلی بلکه در بازارهای بین‌المللی نیز قدرت رقابت‌پذیری بیشتری داشته‌اند. این‌گونه تبعات تجارت بین‌الملل به منزله ارتقاء بهره‌وری عوامل تولید و افزایش رشد و در نتیجه فرآیند رشد اقتصادی خواهد بود (لوپز^۳، ۲۰۰۳).

1. Government Effectiveness
2. Acemoglu et al
3. Iopez

۲-۱- پیشینه پژوهش

این عقیده که امنیت و تجارت موتور رشد و توسعه اقتصادی است، از قدمت زیادی برخوردار است و به دیدگاه‌های آدام اسمیت در خصوص گسترش بازار، تقسیم کار بین‌المللی و جلوگیری از رکود، بر می‌گردد. پس از اسمیت، اقتصاددانان مختلف نیز این عقیده را مورد بحث، نقد و تجدیدنظر قرار دادند. سال‌های مربوط به دهه‌های ۱۹۵۰، ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی، سال‌های حاکمیت ایده «حمایت» و اجرای مدل‌های رشد مبتنی بر جایگزینی واردات بود. در کنار این موج، برخی مکاتب و محققان بر این عقیده تأکید داشتند که کشورهای با اقتصاد باز بر کشورهای درون‌نگر در رشد اقتصادی پیشی خواهند گرفت.

۱-۲-۱- پژوهش‌های خارجی

مطالعات مختلف خارجی در زمینه ارتباط بین امنیت و رشد صورت گرفته که می‌توان به باروو بورگیگان و موریسسن^۱ (۱۹۷۵)، بوس^۲ (۱۹۸۲)، بلانک و بلیندر^۳ (۱۹۸۶)، دنیل کافمن^۴ (۱۹۹۹)، شفیق و حق^۵ (۲۰۰۶)، پولترویچ و پیو^۶ (۲۰۰۶)، زینب اکرم^۷ (۲۰۱۱)، ایچر و اسکریبر^۸ (۲۰۱۰)، عبدلی^۹ (۲۰۱۳)، اوسلاتی و لبیدی^{۱۰} (۲۰۱۵)، اشاره کرد. اوسلاتی و لبیدی ارتباط بین شاخصه‌های حاکمیت و رشد را در ۲۲ کشور از منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (معروف به منا^{۱۱}) مورد بررسی قرار دادند. در این تحقیق، از روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM)^{۱۲} پنل پویا استفاده شده است. نتایج به دست آمده وجود رابطه مثبت بین رشد و نابرابری درآمدی در دوره مورد مطالعه را تأیید کرده است. با این حال، رابطه بین رشد و حاکمیت برای شاخص‌های کنترل فساد و ابراز و مسئولیت تأیید نشده است. این نتیجه شروع بهار عربی را در اکثر کشورهای منطقه توجیه می‌کند (اوسلاتی و لبیدی، ۲۰۱۵).

۱. Bourgigan and Morrison

۲. Buse

۳. Blank and Blinder

۴. Daniel kuofman (1999)

۵. Shafique and Haq

۶. Butkiewicz&Yanikkaya

۷. Akram

۸. Eicher& Schreiber

۹. Abdli

۱۰. Oueslati and Labidi

۱۱. Middle East and North Africa

۱۲. Generalized Method of Moments

عبدلی، در مقاله‌ای به بررسی تأثیر شاخص ترکیبی امنیت اقتصادی (از دریچه‌های حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد) بر عملکرد رشد ۲۱ کشور جنوب صحرای آفریقا برای دوره زمانی ۱۹۸۱-۲۰۰۹ پرداخت. در این بررسی از روش داده‌های ترکیبی با رهیافت گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) استفاده شد و بر اساس برآوردهای حاصله؛ یک ارتباط مثبت و معنی‌دار بین شاخص ترکیبی فوق و رشد اقتصادی حاصل شد (عبدلی، ۲۰۱۳: ۲۶۱).

ایچر و اسکریر، در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر امنیت اقتصادی (از کانال‌های دموکراسی و حاکمیت قانون) بر رشد اقتصادی منتخبی از کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD)^۱ با استفاده از تکنیک داده‌های پانلی با رهیافت گشتاورهای تعمیم یافته طی دوره زمانی ۱۹۹۱-۲۰۰۱ پرداختند و براساس نتایج حاصل از برآوردهای صورت گرفته، با بهبود فاکتورهای نهادی، رشد اقتصادی افزایش قابل ملاحظه‌ای را تجربه خواهد کرد (ایچر و اسکریر، ۲۰۱۰: ۱۶۹).

پولتروویچ و پیو^۲، در مقاله‌ای به بررسی تأثیر امنیت اقتصادی (در قالب شاخص‌های دموکراسی و حاکمیت قانون) بر رشد اقتصادی پرداختند. این مطالعه برای ۱۸۰ کشور منتخب جهان با تکنیک داده‌های پانلی در قالب روش حداقل مربعات معمولی (OLS) انجام شد و براساس نتایج حاصله، تأثیر هر دو شاخص فوق بر روی رشد اقتصادی مثبت می‌باشد (پولتروویچ و پیو، ۲۰۰۷).

بوتکیویچ و یانیکا^۳، در مقاله‌ای به بررسی تأثیر امنیت اقتصادی (در قالب شاخص‌های حاکمیت قانون و دموکراسی) بر رشد اقتصادی پرداختند. این مطالعه برای منتخبی از کشورهای جهان در قالب دو گروه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه با تکنیک داده‌های پانلی در قالب روش حداقل مربعات معمولی (OLS)^۴ صورت گرفت و براساس نتایج حاصله، تأثیر هر دو شاخص فوق بر روی رشد اقتصادی مثبت و معنادار می‌باشد (بوتکیویچ و یانیکا، ۲۰۰۶: ۶۴۸).

نورونزیزا^۵، در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر امنیت اقتصادی (از دریچه‌های ثبات سیاسی، نوع رژیم سیاسی و خشونت) بر جریان رشد اقتصادی برای منتخبی از کشورهای آفریقایی پرداخت. این مطالعه در قالب تکنیک داده‌های پانلی و با رهیافت گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) صورت گرفت و نتایج حاصل از برآوردها، یک ارتباط مثبت و معنی‌دار را نشان می‌دهد (نورونزیزا، ۲۰۰۳).

1. Organization for Economic Co-operation and Development
2. Polterovich & popov
3. Butkiewicz & Yanikkaya
4. Ordinary Least Squares
5. Nkurunziza

وارد ویلیام و مایا^۱، در مطالعه‌ای به بررسی ارتباط بین امنیت اقتصادی (از کانال‌های حقوق مالکیت، دموکراسی، حکمرانی و اندازه دولت) و رشد اقتصادی ۴۳ کشور منتخب جهان برای دوره زمانی ۱۹۷۵-۱۹۹۰ پرداختند. جهت برآورد اثرات از تکنیک داده‌های پانلی با رهیافت حداقل مربعات معمولی (OLS) استفاده شد و براساس نتایج حاصل از برآوردهای صورت گرفته، ارتباط مثبت و معنی‌داری مشاهده گردید (وارد ویلیام و مایا، ۲۰۰۰).

۱-۲-۲- پژوهش‌های داخلی

پایتختی اسکویی و همکاران، در مقاله‌ای به بررسی تأثیر شاخص ترکیبی امنیت اقتصادی (از دریچه‌های حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد) بر جریان رشد اقتصادی ۲۴ کشور منتخب در حال توسعه آسیایی پرداختند. این مطالعه با استفاده از شیوه داده‌های پانلی با رهیافت گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) برای دوره زمانی ۲۰۰۲-۲۰۱۱ انجام شده است که براساس نتایج حاصل از برآورد صورت گرفته، شاهد یک ارتباط مثبت و معنی‌دار هستیم (پایتختی اسکویی و همکاران، ۱۳۹۲).

شاه‌آبادی و دهقانی احمدآباد، در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر امنیت اقتصادی (از طریق کانال‌های سهولت محیط کسب و کار، کیفیت آموزش، منشأ قانونی و حق ثبت اختراع) بر روی رشد اقتصادی کشورهای عضو گروه D_۸ پرداختند. این تحقیق با استفاده از شیوه داده‌های پانلی با رهیافت روش حداقل مربعات معمولی برای دوره زمانی ۱۹۸۴-۲۰۰۹ انجام شد که براساس نتایج حاصل از برآورد صورت گرفته، یک ارتباط مثبت و معنی‌داری مورد تأیید قرار گرفت (شاه‌آبادی و دهقانی، ۱۳۸۹: ۴۹).

مبارک، در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر امنیت اقتصادی (در قالب‌های حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، کنترل فساد، حاکمیت قانون، کیفیت بروکراسی و اثربخشی دولت) بر روی رشد اقتصادی منتخبی از کشورهای اسلامی طی دوره زمانی ۱۹۸۰-۲۰۰۵ با روش داده‌های ترکیبی با رهیافت حداقل مربعات معمولی پرداخت. در این مطالعه عوامل نهادی به طور جداگانه و کلی برای کشورهای منتخب اسلامی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج گویای آن است که میزان تأثیرگذاری شاخص‌های فوق برای کشورهای ایران، مصر، ترکیه و اندونزی نسبت به کشورهای دیگر دارای تأثیرگذاری کمتری است و امنیت اقتصادی، عاملی در جهت تسریع جریان اقتصادی کشورهای مورد بررسی می‌باشد (مبارک، ۱۳۸۹: ۷۳).

1. Ward William & Maya

عیسی‌زاده و احمدزاده، در مطالعه‌ای به بررسی اثر امنیت اقتصادی (در قالب حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، کنترل فساد، حاکمیت قانون، کیفیت بروکراسی و اثربخشی دولت) بر رشد اقتصادی با تأکید بر نهادهای حاکمیتی پرداختند. جهت نیل به این منظور از تکنیک داده‌های ترکیبی با رهیافت حداقل مربعات معمولی برای دوره زمانی ۱۹۹۶-۲۰۰۵ استفاده شد و ۵۰ کشور منتخب جهان به تفکیک سطوح مختلف توسعه به عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفت. براساس نتایج حاصل از برآوردهای صورت گرفته، ارتباط مثبت و معنی‌داری مشاهده شد (عیسی‌زاده و احمدزاده، ۱۳۸۸: ۱).

آذرمنند، در مقاله‌ای به بررسی نقش امنیت اقتصادی (از دریچه حاکمیت قانون، کنترل فساد، ساختار حقوقی و امنیت حقوق مالکیت، کیفیت مقررات و کنترل فساد) در رشد اقتصادی ۵۷ کشور منتخب در حال توسعه در طی دوره زمانی ۱۹۸۰-۲۰۰۱ با استفاده از تکنیک داده‌های پانلی با رهیافت حداقل مربعات معمولی پرداخت. براساس نتایج حاصل از برآورد صورت گرفته، شاهد یک ارتباط مثبت و معنی‌دار هستیم (آذرمنند، ۱۳۸۴: ۱۷۱).

جعفری صمیمی و آذرمنند، در مقاله‌ای به بررسی نقش امنیت اقتصادی (از دریچه ثبات سیاسی، آزادی اقتصادی و حاکمیت قانون) در رشد اقتصادی ۵۷ کشور در حال توسعه و کمتر توسعه یافته در طی دوره زمانی ۱۹۸۰-۲۰۰۱ با استفاده از تکنیک داده‌های پانلی با رهیافت حداقل مربعات معمولی پرداختند. نتایج حاصل از برآوردها نشان داد که بهبود وضعیت نهادها تأثیر مثبت و معناداری بر توسعه اقتصادی کشورهای مورد بررسی دارد (جعفری صمیمی و آذرمنند، ۱۳۸۴: ۱۷۱).

۲-ارایه مدل و معرفی متغیرها

در این مقاله تأثیر متغیرهای مربوط به شاخص‌های امنیت اقتصادی و تجارت برای ۹ کشور منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی^۱ طی دوره زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶ مورد مطالعه قرار می‌گیرد و به منظور برآورد اثرات متغیرها، از تکنیک هم‌انباشتنی پانلی به شیوه حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده می‌شود. برای برآورد اثرات متغیرها، مدل مورد بررسی نیز با الهام از مقاله عبدلی^۲ (۲۰۱۳) به صورت زیر معرفی می‌شود:

$$\text{LnY}_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{LnO}_{it} + \alpha_2 \text{LnVA}_{it} + \alpha_3 \text{LnPS}_{it} + \alpha_4 \text{LnGE}_{it} + \alpha_5 \text{LnRQ}_{it} + \alpha_6 \text{LnRL}_{it} + \alpha_7 \text{LnCC}_{it} + \varepsilon_{it}$$

Y: بیانگر فرآیند رشد اقتصادی می‌باشد، که با تولید ناخالص داخلی سنجیده می‌شود.

۱. ایران، کامرون، الجزایر، مصر، مالزی، نیجر، نیجریه، سودان و سنگال.

2. Abdli

O: بیانگر شاخص تجارت می‌باشد، که از مجموع صادرات و واردات ناشی می‌شود.

شاخص‌های امنیت اقتصادی نیز عبارتند از:

VA: حق اعتراض و پاسخگویی؛

PS: ثبات سیاسی بدون خشونت؛

GE: اثر بخشی دولت؛

RQ: کیفیت مقررات؛

RL: حاکمیت قانون؛

CC: کنترل فساد؛

Ln: بیانگر لگاریتم طبیعی؛ و

E: بیانگر جمله خطای تصادفی می‌باشد.

داده‌های مربوط به تمامی متغیرهای مورد بررسی از تارنمای (وب سایت) بانک جهانی^۱ استخراج شده است.

۳- تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

۳-۱- آزمون مانایی

به منظور بررسی مانایی متغیرها از آزمون لوین، لین و چو^۲ (LLC) استفاده شده است که از مهم‌ترین آزمون‌های ریشه واحد در داده‌های ترکیبی به شمار می‌رود. در این آزمون فرض صفر مبنی بر وجود یک ریشه واحد می‌باشد. خلاصه نتایج این آزمون در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول (۱): نتایج آزمون ریشه واحد متغیرها

آزمون لوین، لین و چو (در حالت عرض از مبدأ و روند)						متغیر
با دوبرار تفاضل گیری		با یکبار تفاضل گیری		در سطح		
مقدار p-value	مقدار آماره	مقدار p-value	مقدار آماره	مقدار p-value	مقدار آماره	
۰/۰۰۰۰	-۷/۰۴۰۴	۰/۳۰۸۵	-۰/۵۰۰۰	۰/۴۰۵۵	-۰/۲۳۹۰	LnY
-	-	-	-	۰/۰۰۰۰	-۴/۷۷۰۵	LnO
-	-	-	-	۰/۰۰۰۰	-۶/۰۶۷۱	LnVA
-	-	-	-	۰/۰۰۰۱	-۳/۶۶۵۶	LnPS
-	-	-	-	۰/۰۰۰۰	-۷/۱۸۸۹	LnGE

1. World Bank

2. Levin, Lin & Chu

-	-	-	-	۰/۰۰۰۲	-۳/۴۹۹۶	LnRQ
-	-	-	-	۰/۰۰۰۰	-۴/۷۴۴۱	LnRL
-	-	-	-	۰/۰۰۰۰	-۴/۶۴۶۰	LnCC

منبع: یافته‌های تحقیق براساس خروجی نرم افزار Evi ems

با توجه به نتایج جدول (۱)، متغیرهای تجارت خارجی، حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد در سطح مانا می‌باشند ($I(0)$)، ولی تولید ناخالص داخلی با دوبار تفاضل‌گیری مانا می‌شود ($I(2)$)، حال با توجه به اینکه عمل تفاضل‌گیری انجام شده است، لذا لازم است که رابطه هم‌انباشتگی متغیرها بررسی شود.

۲-۳- تحلیل هم‌انباشتگی

بررسی وجود هم‌انباشتگی متغیرها در داده‌های ترکیبی حایز اهمیت فراوانی است. برای پرهیز از وقوع رگرسیون کاذب و نیز تعیین وجود رابطه بلندمدت میان متغیرها، روش هم‌انباشتگی می‌تواند مفید واقع شود. جهت بررسی هم‌انباشتگی متغیرها از آزمون کائو^۱ استفاده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد براساس نتایج جدول (۳)، هم‌انباشتگی یا وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین شاخص‌های امنیت اقتصادی و تجارت خارجی با رشد اقتصادی در سطح ۱٪ پذیرفته می‌شود. با توجه به این‌که متغیرها در سطح (2) مانا هستند ولی پسماندها در سطح صفر مانا بوده در نتیجه متغیرها در سطح صفر هم‌انباشته بوده و رگرسیون مذکور کاذب نیست.

جدول (۳): نتایج آزمون هم‌جمعی

Kao Cointegration		
	t-Statistic	prob
ADF	-۴/۴۲۶۱	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق براساس خروجی نرم افزار Eviews

پس از انجام آزمون‌های ریشه واحد و هم‌انباشتگی جهت تعیین نوع مدل به لحاظ اثرات ثابت، تصادفی یا حالت تلفیقی^۲، به انجام آزمون‌های آماری مربوطه پرداخته می‌شود. براساس نتایج جدول (۴) در همه کشورهای فوق، فرضیه H_0 مبنی بر برابری عرض از مبدأها رد شده و بایستی عرض از مبدأهای مختلفی را در برآورد لحاظ نمود. در نتیجه می‌توان از روش پانل جهت برآورد استفاده کرد

جدول (۴): نتایج آزمون اثرات ثابت

1. Kao
2. Pooled Data

آزمون اثرات	آماره آزمون	درجه آزادی	prob
Cross-Section F	۵۷/۱۰۸۳	(۸, ۶۹)	۰/۰۰۰۰
Cross-Section Chi-square	۱۷۲/۶۲۹۹	۸	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته های تحقیق براساس خروجی نرم افزار Eviews

حال برای مشخص نمودن نوع روش تخمین به لحاظ اثرات ثابت یا تصادفی از آزمون هاسمن استفاده می شود. براساس نتایج آزمون هاسمن مطابق جدول (۵)، فرضیه H_0 مبنی بر سازگاری تخمین های اثر تصادفی در کل کشورهای فوق رد نمیشود و باید تخمین به روش اثرات تصادفی صورت گیرد.

جدول (۵): نتایج آزمون هاسمن

آزمون اثرات	آماره آزمون	درجه آزادی	prob
Cross-section random	۳۷/۵۶۲۲	۷	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته های تحقیق براساس خروجی نرم افزار Eviews

۳-۳- برآورد مدل

براساس یافته های تحقیق طبق جدول (۶) نتایج زیر مشاهده می شود:

- تجارت خارجی تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارد و در سطح یک درصد معنی دار است. ضریب متغیر تجارت ۰/۲۹ می باشد که بیانگر این است که، با یک درصد افزایش در تجارت، رشد اقتصادی ۰/۲۹ درصد افزایش پیدا می کند.
- حق اعتراض و پاسخگویی تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارد و در سطح پنج درصد معنی دار می باشد. ضریب متغیر حق اعتراض و پاسخگویی ۰/۱۴ و بیانگر این است که، با یک درصد افزایش در حق اعتراض و پاسخگویی، رشد اقتصادی ۰/۱۴ درصد افزایش می یابد.
- ثبات سیاسی بدون خشونت تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارد و در سطح یک درصد معنی دار است. ضریب این متغیر معادل ۰/۶۵ و بیانگر این است که، به ازای یک درصد افزایش در ثبات سیاسی بدون خشونت، رشد اقتصادی به میزان ۰/۶۵ درصد افزایش پیدا می کند.
- اثربخشی دولت نیز تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی داشته و در سطح یک درصد معنی دار می باشد. ضریب این متغیر ۰/۴۳ بوده و به این معنی است که، با یک درصد افزایش در اثربخشی دولت، رشد اقتصادی ۰/۴۳ درصد افزایش می یابد.
- کیفیت مقررات تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارد و در سطح یک درصد معنی دار است. ضریب متغیر کیفیت مقررات ۰/۵۴ و بیانگر این است که، با یک درصد افزایش در کیفیت مقررات، رشد اقتصادی به میزان ۰/۵۴ درصد افزایش پیدا می کند.

- همچنین، حاکمیت قانون تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی داشته و در سطح ده درصد معنی‌دار می‌باشد. ضریب متغیر حاکمیت قانون معادل ۰/۰۳ و بیانگر این است که، با یک درصد افزایش در حاکمیت قانون، رشد اقتصادی به میزان ۰/۰۳ درصد افزایش می‌یابد.
- در نهایت، کنترل فساد تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارد و در سطح یک درصد معنی‌دار می‌باشد. ضریب متغیر مزبور ۰/۱۲ و به این معناست که، با یک درصد افزایش در کنترل فساد، رشد اقتصادی ۰/۱۲ افزایش پیدا می‌کند.

جدول (۶): نتایج برآورد مدل

متغیرها	ضریب	انحراف معیار	آماره t	prob
C	۴/۴۶۶۴	۰/۸۶۸۹	۵/۱۴۰۰	۰/۰۰۰۰
LnO	۰/۲۹۲۳	۰/۰۵۷۱	۵/۱۱۸۸	۰/۰۰۰۰
LnVA	۰/۱۴۸۵	۰/۰۶۱۸	۲/۴۰۰۴	۰/۰۱۸۸
LnPS	۰/۶۵۳۸	۰/۰۶۳۹	۱۰/۲۲۳۹	۰/۰۰۰۰
LnGE	۰/۴۳۹۷	۰/۰۳۶۱	۱۲/۱۷۴۶	۰/۰۰۰۰
LnRQ	۰/۵۴۹۷	۰/۰۹۹۳	۵/۵۳۵۷	۰/۰۰۰۰
LnRL	۰/۰۳۵۴	۰/۰۱۹۹	۱/۷۷۵۸	۰/۰۷۹۷
LnCC	۰/۱۲۱۴	۰/۰۴۱۳	۲/۹۴۰۷	۰/۰۰۴۳
R^2			۰/۹۴۸۴	
R^2 تعدیل شده			۰/۹۴۳۷	

منبع: یافته‌های تحقیق براساس خروجی نرم افزار Eviews

نتیجه‌گیری

هدف این مقاله، بررسی تأثیر متغیرهای مربوط به شاخص‌های امنیت اقتصادی و تجارت بر رشد اقتصادی است. به منظور نیل به این هدف ۹ کشور منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی طی دوره زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶ مورد بررسی قرار گرفت و جهت برآورد اثرات متغیرها از تکنیک هم‌انباشتگی پانلی با رهیافت حداقل تعمیم یافته (GLS) استفاده شد. نتایج حاصل از برآوردهای صورت گرفته را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

(۱) شاخص‌های امنیت اقتصادی دارای اثرات مثبتی بر رشد اقتصادی هستند. بهبود این شاخص‌ها موجب ساختارمند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات بشری می‌شوند، که فرآیند رشد اقتصادی نیز از این امر مستثنی نیست. این شاخص‌ها به عنوان ایجاد کننده یک ساختار انگیزشی، موجبات کاهش ناطمینانی، تشویق کارایی و بهبود عملکرد اقتصادی را از کانال سرمایه‌گذاری‌های گسترده فراهم می‌سازند؛ زیرا تعامل سازنده شاخص‌های امنیت می‌تواند راه‌گشای موفقیت در فرآیند رشد

اقتصادی باشد. به عبارت دیگر، این شاخص‌ها، محیط مناسبی را برای تنظیم روابط مالی به شکلی کم هزینه، ساده و به دور از اتلاف وقت مهیا نموده و از این رهگذر به عنوان هموار کننده مسیر تولید، موجبات رشد اقتصادی را فراهم می‌سازند.

۲) تجارت خارجی دارای تأثیر مثبت و قابل توجهی بر رشد اقتصادی بوده و با نظریه‌های مربوط در این زمینه سازگاری دارد. بر طبق نظریه‌های رشد اقتصادی، آزادسازی تجاری و گسترش تجارت از طریق بهبود تخصیص منابع، دسترسی به فناوری و کالاهای واسطه‌ای بهتر، استفاده از صرفه‌های ناشی از مقیاس تولید، افزایش رقابت داخلی، استفاده از صرفه‌های داخلی و خارجی و ایجاد محیطی مناسب برای نوآوری و ابداعات، منجر به افزایش رشد اقتصادی می‌شود. به این ترتیب، با توجه به نتایج حاصل از برآوردهای پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود:

۱) باتوجه به رابطه مثبت بین شاخص‌های امنیت اقتصادی و رشد اقتصادی، باید با گسترش و بهبود شاخص‌های امنیت اقتصادی، زمینه رشد اقتصادی بیشتر را در این کشورها شتاب بخشید؛ زیرا در کشورهای مورد بررسی شاخص‌های مذکور به سطح ایده‌آل خود نرسیده‌اند و همچنان شاهد نوسانات قابل توجهی در این زمینه هستیم که در صورت عدم گسترش و بهبود این شاخص‌ها عواقب جبران‌ناپذیری در انتظار روند رشد اقتصادی جوامع مورد بررسی خواهد بود.

۲) با توجه به رابطه مثبت بین شاخص تجارت و رشد اقتصادی، لازم است متولیان امور و تصمیم‌سازان در کشورهای مورد بررسی، با اتخاذ سیاست‌های مناسب در زمینه آزادسازی تجاری، از فرصت‌های تجاری و سرمایه‌ای موجود در اقتصاد جهانی بهره گرفته و با باز شدن اقتصاد از طریق دسترسی به بازارهای خارجی در زمینه رشد و توسعه اقتصادی کشورهای متبوع خود گام‌های مؤثری بردارند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. آذرمند، حمید. (۱۳۸۴). نقش نهادهای سیاسی و حقوقی در توسعه اقتصادی. نشریه روند. شماره ۵۰ و ۵۱. صفحات ۱۱۹-۱۷۱.
۲. پایتختی اسکویی، سید علی، آل عمران، رویا و حقیقت کاغذچیان، سارا. (۱۳۹۲). بررسی تاثیر آزادسازی مالی بر توسعه بازار مالی و رشد اقتصادی با تکیه بر تکنیک گشتاورهای تعمیم یافته (مطالعه موردی: کشورهای منتخب در حال توسعه آسیایی). دومین کنفرانس ملی چالش‌های اصلی صنعت و تولید ملی.
۳. شاه آبادی، ابوالفضل و دهقانی احمدآباد، هانی (۱۳۸۹). تأثیر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی کشورهای عضو گروه D8، اقتصاد و تجارت نوین، شماره های ۲۱ و ۲۲، ۱۳۸۹، صفحات ۷۵-۴۹.
۴. عیسی‌زاده، سعید و احمدزاده، اکبر (۱۳۸۸)، بررسی اثر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی با تأکید بر نهادهای حاکمیتی، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۴۰، صفحات ۲۸-۱.
۵. غفاری، هادی. (۱۳۸۶). نظام اقتصادی صدر اسلام. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۶. مبارک، اصغر. (۱۳۸۹). بررسی اثرات فاکتورهای نهادی بر رشد اقتصادی در کشورهای اسلامی. دانش حسابرسی، شماره ۱. صفحات ۱۰۱-۷۳.
۷. جعفری صمیمی، احمد و آذرمند، حمید. (۱۳۸۴). نقش نهادهای سیاسی و حقوقی در توسعه اقتصادی، دانش و توسعه، شماره ۳۶. صفحات ۱۱۹-۱۷۱.
8. Abdli D. (2013). Effects of financial liberalization on financial market development and economic performance of the SSA region: An empirical assessment. *Economic Modelling*. No. 30. PP. 261-273.
9. Acemoglu, D., Johanson, S. & Robinson, J. (2004). institutions as the fundamental cause of long-run Growth. NBER Working paper. No. 10481.
10. Barro, R. J. (1996), Determinants of economic growth: A cross-country empirical study. NBER Working paper 5698.
11. Barro, R. J. (1999). Determinants of Democracy. *Journal of political Economy*. No.107. PP. 158-183.
12. Bennedsen, Morten, Kasper M. Nielsen, Francisco Pérez-González, and Daniel Wolfenzön, "Inside the Family Firm: The Role of Families in Succession Decisions and Performance," forthcoming, *Quarterly Journal of Economics*, May 2007
13. Butkiewicz, L. & Yanikkaya, J. (2006). Institutional quality and economic growth: maintenance of the rule of law or democratic institutions, or both?. *Journal of Economic modeling*. No. 23. PP. 648- 661.
14. Eicher, T. & Schreiber, T. (2010). Structural policies and growth: Time series evidence from a natural experiment. *Journal of Development Economics*. No. 91. PP. 169-179.

15. Freedom House Freedom (2014). Accessed at <http://freedomhouse.org/ratings/index.html>.
16. Kauffman, D., Kraay, A. & Mastruzzi, M. (2006). Governance matters V: Governance indicators for 1996–2005. **available at:** www.govindicators.org.
17. Lopez, E. & Serrano, G. (2003). Complementarity Between Human Capital and Trade in Regional Technological Progress. Regional Quantities Analysis Research Group. University of Barcelona.
18. OUESLATI, Adnen and LABIDI, Mohamed Ali (2015), Growth, Inequality and Governance: A case of MENA countries, SSRG International Journal of Economics and Management Studies: 28
19. Nkurunziza, J. D. (2003), The Effect of Credit on Firm Growth and Survival in Kenyan Manufacturing, D. Phil Thesis, University of Oxford.
20. Polterovich v. & popov V. (2007). Democratization, quality of institutions and economic growth. Working paper. No. 102.
21. Ward William A&. Maya V. (2000). Institutions and Economic Growth: Empirical Evidence from a Cross-National Analysis. Clemson University.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی